

کیفیت زیارت قبور ائمه معصومین سلام الله علیهم در کلام مرحوم علامه طهرانی

بسم الله الرحمن الرحيم

نگرش و توصیه‌های اخلاقی علامه طهرانی به زیارت و پیاده رفتن به مشهد

مشرفه

أبان بن تَغَلِبَ از امام صادق علیه السلام روایت میکند که حضرت فرمود: «و كل الله بقبر الحسين عليه السلام أربعة آلاف ملكاً شعثاً غبراً يبيكونه إلى يوم القيمة. فمن زاره عارفاً بحقه شيعوه حتى يبلغوه مأمنه، وإن مَرَضَ عَادُوهُ غدوةً و عَشِيّاً، و إذا مات شَهِدُوا جنازته و استغفروا له الى يوم القيمة؛ خداوند در اطراف قبر حسین علیه السلام چهار هزار فرشته گماشته است که همگی با موهای ژولیده و پریشان و با صورتهای خاک آلوده بروی تا روز قیامت می‌گیرند. پس کسی که او را با معرفت به حَقِّش زیارت کند او را بدرقه می‌کنند تا به مأمنش برسانند و اگر مریض گردد وی را هر صبح و شب عیادت کنند، و اگر بمیرد جنازه‌اش را تشییع کنند و برای او از خداوند طلب غفران نمایند تا روز قیامت.»

حکایت زیارت پیاده امام حسین علیه السلام

مرحوم علامه آیه‌الله حسینی طهرانی (ره) در کتاب شریف «روح مجرد» حکایت زیارت پیاده امام حسین علیه السلام را چنین بیان می‌کنند: «در میان طَلَّاب و فضلا و علمای نجف اشرف این قاعده برقرار است که در ایام زیارتی مخصوص حضرت مولی‌الکونین اَبی عبد الله الحسین سید الشَّهَداء علیه و علی اَبیه و امّه و جدّه و اُخیه و التَّسْعَةَ الطَّاهِرَةَ مِنْ اَبْنَائِهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَ سَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْاَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، مانند زیارت عرفه و زیارت اربعین و زیارت نیمه شعبان، پیاده از نجف اشرف به کربلای مُعَلَّى مشرف می‌شوند؛ یا از جاده مستقیم بیابانی که سیزده فرسخ است، و یا از جاده کنار شَطِّ فَرَات که هجده فرسخ است. جاده بیابانی خشک و بی آب و علف است، ولی مسافری زودتر می‌رسند و یک روزه و یا دو روزه راه را طی می‌کنند؛ ولی جاده کنار شَطِّ، جاده ماشین رو نیست، جاده پیاده رو و مال رو است و انحراف نیز دارد ولی به عوض سرسبز و خرّم است و از زیر درخت‌های خرما و نخلستان‌ها عبور می‌کند، و در هر چند فرسخی یک خان و مُضیف خانه وسیع (مهمانخانه ساخته شده از حصیر متعلق به شیوخ اعراب که در آنجا تمام واردین را بطور مجانی هر چقدر که بمانند پذیرائی می‌کنند) وجود دارد که طَلَّاب

روزها را تا به شب راه می روند و شب ها را در آنجا بیتوته می نمایند، و معمولاً سفرشان از راه آب که این راه است دو روز و یا سه روز طول می کشد.

حقیر را در مدت اقامت هفت ساله در نجف اشرف جز دو بار توفیق تشرّف پیاده به کربلا دست نداد؛ چون مرحومه والده در قید حیات بودند، و گرچه از رفتن ممانعت نمی نمودند ولی چون حقیر در ایشان آثار اضطراب می دیدم، خودم داوطلب برای راه پیاده نمی شدم. تا یکی دو سال مانده به آخرین زمانی که در نجف بودیم، دیدم در ایشان آن اضطراب به واسطه آشنائی با خانواده های نجفی تا اندازه ای پائین آمده است، فلذا ایشان را با بعضی از مسافرین و زائرین ایرانی که بر ما وارد بودند، قبلاً به کربلا روانه ساختیم و سپس خود با رفقا به راه افتادیم. در هر دو سفر، حقیر در معیت حضرت آیه الله حاج شیخ عباس قوچانی أفاض الله علينا من رحماته و برکاته بودم...»

کیفیت زیارت امام معصوم و مشاهد مشرفه

ایشان همچنین در کتاب «آیین رستگاری» کیفیت زیارت امام معصوم را چنین بیان می کنند: «آقایان طلبه! زیارت امام و مکه باید پیاده و پا برهنه رفت، دیگر تاکسی سوار نشوند و پول زیاد هم خرج نکنند، این چند قدم را تا حرم به احترام حریم حضرت رضا علیه السلام پیاده بروند و پیاده برگردند.

من که آمدم مشهد مقدس اول که دنبال منزل گشتیم، گفتیم یک جایی باشد که بتوانیم هر روز پیاده حرم مشرف بشویم و برگردیم؛ چون اصلاً نزدیک قبر حضرت بودن و به خصوص پیاده رفتن این خوب است! و آلا انسان برای زیارت سوار تاکسی بشود و برود و برگردد، اینکه خوب نیست!

برای زیارت امام انسان پیاده می رود، زیارت امام حسین علیه السلام پیاده می رود. مکه پیاده می رفتند، پابرهنه می رفتند! چون آنجا مشاهد مکرّمه است و مشاهد معظّمه است، و قبر امام از کعبه کمتر نیست؛ بلکه حقیقت کعبه است و روح کعبه است! انسان باید این جهات را رعایت کند.

ولی البتّه انسان که پیاده می رود نباید این طرف را نگاه کند، آن طرف را نگاه کند؛ طلبّان که حرکت می کنند سرشان را پایین بیاندازند؛ نه طوری پایین بیندازند که بگویند: فلان کس متکبّر

است، حالا خودش را گرفته و دیگر هم اعتنا نکند؛ نه این هم درست نیست؛ اصلاً تصنع درست نیست! سالک تصنعی به درد نمی خورد.

سالک باید نفس عملش سلوک باشد

سالک باید نفس عملش سلوک باشد و آن قدر در دلش از آن مطالب و گمشده‌ها او را به خود مشغول کرده باشد که برای تفکر و تصنع و این طرف و آن طرف نگاه کردن و با این و آن مشغول شدن و سخن هرزه گفتن و داد و بی داد کردن و در مجلس صدا بلند کردن و امثال اینها مجال نداشته باشد.

اصلاً مؤمن باید وقور باشد! وقتی که انسان را می بینند خود عمل انسان معرفی باشد. «فی المکاره صبور»؛ در نامالیقات باید صابر باشی. «(الکافی، ج ۲، ص ۲۳۱) هر چه سالک می تواند باید وقور باشد و صبور باشد! وقور یعنی آرام باشد، سبکش متین و پسندیده باشد.

صبور یعنی وارداتی که بر او می شود از جا در نرود؛ نه اینکه وقتی برایش یک غذای لذیذی می آورند، او صبر کند تا آن غذا را آماده کنند. در غذای لذیذ خوردن صبر معنا ندارد؛ معنایش این است که اگر غذای لذیذ به او نرسید صبر کند، نامالیم شد صبر کند، حرف زشتی از شخصی شنید صبر کند؛ از پدر و مادر و خواهر و دوستان یک حرف درستی شنید، یک حرف غیر درستی شنید، او با بزرگی خودش و با سعه صدرش بگذرد و تحمل کند.

سالک باید کارهایی را که برای دوستان خدا می کند به حساب نیاورد

نسبت به دوستان خدا ایثار کند، یعنی آنها را مقدم بدارد، و این ایثار را هم به حساب نیاورد؛ حالا آن روز که در فلان عمل بود، این دفعه هم ما حق خودمان را به او دادیم و خواست سوار اتوبوس بشود ما او را زودتر از خودمان سوار کردیم. تمام کارهای خیری که برای دوستان می کند اصلاً به حساب نیاورد و باز هم خودش را مقصّر بداند؛ این پیشرفت می کند؛ یعنی طبق آن اعمالی که انجام می دهد خداوند که عالم السرّ و الخفیّات است، به او پاداش می دهد و جزا می دهد. پاداش و جزایش هم فوری است، همان وقت به او می دهد و طعم لذت مناجات خدا را همان وقت می چشد.»